

معنی تفسیر به رأی

مقصود از اینکه می گویند : کسی حق ندارد قرآن را به رأی ، خویش تفسیر کند ، چیست ؟

سؤال:

یکی از خوانندگان گرامی سؤال می کند : در روایات متعددی وارد شده است که کسی حق ندارد ، قرآن را به رأی و نظر خویش ، تفسیر کند و اگر کسی دست به چنین کاری بزند ، جایگاه او آتش دوزخ است . مقصود از «تفسیر به رأی» چیست ؟

پاسخ مفسران و دانشمندان اسلامی بر این نظر اتفاق دارند که هیچ فردی حق ندارد آیات قرآن را با نظر و رأی شخصی خود تفسیر نماید ، و احادیث

زیادی در این باره نقل شده است که نمونه هائی را در این جا نقل می کنیم .

رسول اکرم (ص) فرموده است : ۱ - من فسر القرآن برأیه فلیتنبوا مقعده من النار (۱) هر کس قرآن را به رأی خویش تفسیر کند ، برای خود جائی در آتش (دوزخ) انتخاب کند .

۲ - من قال فی القرآن برأیه (۲) فلیتنبوا مقعده من النار (۳)
۳) من فسر القرآن واصاب الحق فقد

(۱) در بسیاری از کتابهای علمی این حدیث از پیامبر نقل شده است .

(۲) در تفسیر قرطبی به نام والجامع لاحکام القرآن ج ۱ ص ۳۲ به جای لفظ «برأیه» ، کلمه «برأی» آمده است و در مجمع البیان ج ۱ ص ۹ به جای آن ، لفظ «بغیر علم» ، یعنی ظن و گمان ، نقل گردیده است .

(۳) جامع البیان ج ۳ ص ۳۲

اخطاء: هر کسی قرآن را به رأی شخصی خویش تفسیر کند هر چه هم صحیح باشد باز خطا کرده است (۴)

این قسمتی از متون احادیثی است که در این مورد وارد شده اند اکنون باید دید مقصود از تفسیر به رأی و یا تفسیر بدون علم و دانش چیست؟

مفسران عالیقدر برای تفسیر به رأی سه وجه بیان کرده اند که به همه آنها به طور اجمال اشاره می نمائیم .

۱ - عقیده پیشین مفسر سبب شود که لفظی را که دومعنی دارد، و قرینه‌های برای تعیین یکی نیست، و یا آیهای را که از نظر مفاد و هدف مبهم و مجمل است، و باید اجمال و ابهام آنها بوسیله آیات دیگری رفع نمود، طوری تفسیر کند که مطابق عقیده پیشین گردد و به عبارت دیگر، معتقدات قبلی و به اصطلاح «پیشداوریهای» شخصی سبب شود، که آنها را (بدون قرینه و شاهد) مطابق اعتقاد خود تفسیر کند، و به جای اینکه قرآن راهادی و رهبر خود قرار دهد، و عقاید خود را بر قرآن عرضه

بدارد، قرآن را بر عقاید خود تطبیق نماید. تنها آنجا که اگر چنین اعتقاد قبلی وجود نداشت، هرگز حاضر نبود آیه را همان طور تفسیر کند (۵)

نمونه این نوع تفسیر به رأی هاد کتباهای کسانی که از مکتبهای خاصی مانند «معتزله»، «اشاعره»، «باطنیه»، «صوفیه»، پیروی می کنند، زیاد بچشم می خورد مفسری، که قبلاً مکتب و اعتزاله و یا اشاعره را در باره صفات و افعال خدا و بندگان او، بطور درست پذیرفته است، وقتی به آیاتی میرسد که ممکن است آن را به نوعی به عقیده خاص خود تطبیق کند، و احیاناً ظاهر آن، برخلاف عقیده او است، بر اثر اعتقاد پیشین همه این نوع آیات را مطابق نظر و معتقدات مکتب خود، تفسیر می کند، و به جای اینکه عقاید خویش را بر قرآن عرضه بدارد، قرآن را بر عقیده خود عرضه می کند، و از روی هوی و هوس، با آیات الهی بازی می کند.

تفسیر «کشاف» (۶) نگارش زمخشری نمونه

(۴) التبیان ج ۱ ص ۳ و در این مورد روایاتی نیز نقل شده است برای اطلاع به تفسیر برهان ج ۱

ص ۱۸-۱۹ مراجعه فرمائید.

(۵) مجمع البیان ج ۱ ص ۱۲، الجامع لاحکام القرآن ج ۱ ص ۴، آیات الاحکام محقق اردبیلی ص ۲ تفسیر صافی مقدمه پنجم ص ۹، رسائل شیخ انصاری ص ۳۵، از آنجا که لفظ «رأی» در لغت عرب به معنی ظن و گمان و تخمین است معلوم می شود که آراء قبلی مفسر يك رأی قطعی نبوده بلکه يك سلسله حدسها و پیشداوریهای ظنی است که خود مفسر نیز بر صحت و استواری آن قاطع نمی باشد.

(۶) انتقاد از روش تفسیر این کتاب در آیات مربوط به مسائل مورد اختلاف میان معتزله و اشاعره از ارزش آن درباره بیان نکات مربوط به فصاحت و بلاغت خارق العاده قرآن نمی کاهد، زیرا ارزش کشف در این قسمت قابل انکار نیست.

پیدا کرد و اکتشافات و اختراعات، سائر دانشهای انسان را تحت الشعاع خود قرارداد، از این نظر زمینه يك نوع تفسیر به رأی مخصوصی، در میان برخی از مفسران اسلامی بوجود آمد، و در نتیجه آیات مربوط به عالم غیب و مافوق طبیعت مانند «روح» و «فرشته» و «پری» و اعجاز پیامبران، به طرز مخصوصی تفسیر شدند، تا علاوه بر جلب نظر دانشمندان طبیعی و مادی، به آیات قرآن جلاء و صفای خاصی بخشیده شود و با مراجعه به تفسیرهای «المنار» و «جواهر طنطاوی» صدق گفتار مظاهر می گردد.

چون این دانشمندان تحت تأثیر پیشرفت دانشهای طبیعی و سایر علوم مادی قرار گرفته بودند، بسیاری از حقائق قرآنی را که مربوط به عوالم غیبی و ماوراء طبیعت است بر قوای مادی و طبیعی که علم و دانش آن روز کشف کرده بود تطبیق نموده اند تا آنجا که ملائکه و فرشتگان در نظر آنان همان قوای نهفته در طبیعت شده است.

مؤلف «المنار» سعی دارد که بسیاری از معجزات پیامبران را، به صورت يك امر طبیعی و موافق قوانین عادی جلوه دهد و برای نمونه به داستان «بقره موسی» مراجعه فرمائید (۸).

طنطاوی برای تطبیق بسیاری از آیات قرآن بر علوم طبیعی و قوانین مادی، بیش از حد اصرار می ورزد گویا قرآن، کتاب علوم طبیعی است و

بارزی برای تفسیر قرآن بر اساس مکتب «اعتزال» است همچنانکه کتاب «مفاتیح الغیب» نگارش فخر رازی نمونه روشنی برای تفسیر آیات قرآن بر پایه مکتب «اشعری» به شمار می رود، هر کدام از این دو مفسر کوشش می کنند از طریق آیات قرآن، عقیده پیشین خود را اثبات کنند، و هرگز حاضر نیستند خود را از عقیده قبلی آزاد نمایند، و با آزاد ساختن خود از آراء قبلی، مجموع آیات قرآن را که در باره صفات خدا و افعال بندگان وارد شده اند، مورد بررسی قرار دهند.

در طول تاریخ گروههای «باطنیه»، «صوفیه» و برخی از فلاسفه، قسمتی از آیات مربوط به معارف عقلی را مطابق نظریه پیشین خود تفسیر نموده اند، مثلاً ملا عبدالرزاق کاشی اساس تفسیر خود را آراء و عقاید باطنیه قرار داده و محیی الدین عربی (۷) معارف الهی قرآن را مطابق انظار متصوفانه خود تفسیر نموده است.

این رشته از تفاسیر که فقط برای احیاء مکتب خاصی، نگارش یافته اند (مکتبی که پایه گذاران آن يك فرد جایز الخفا و غیر معصوم بوده است) بر فرض اینکه قسمتی از این تفسیرها صحیح باشد اما رویهم رفته نمی توانند از تفسیر به رأی خالی و پیراسته باشند.

در اواخر قرن سیزدهم اسلامی و آغاز قرن چهاردهم افکار مادیگری بازار داغ و رونق بسزائی

(۷) گروهی از محققان معتقدند که تفسیر منسوب به محیی الدین نوشته خود او نیست بلکه نگارش

یکی از شاگردان وی می باشد.

(۸) المنار ج ۱ به تفسیر آیه ۶۷ مراجعه فرمائید.

آن حمل گردد .

دو معنی دیگر برای تفسیر به «رأی»:

مفسران برای تفسیر به رأی دو معنی دیگر ذکر کرده اند که طوراجمال به آن اشاره می شود .

الف: از معنی ابتدائی يك آیه (بدون آنکه دلائل قطعی و آیات دیگر قرآن را که در این زمینه وارد شده اند در نظر بگیریم) پیروی کنیم چنانکه گروهی از بسیاری از دلائل علمی و آیات دیگری که به طور آشکار جسم بودن خدا را نفی میکنند چشم پوشیده و به ظواهر برخی از آیات (۱۰) که همگی کنایه و مجازند ، بر جسم بودن خدا استدلال نموده اند (۱۱)

ب: معنی سوم تفسیر به رأی این است که در تفسیر قرآن ، از غیر خود قرآن ، استمداد کنیم زیرا مجموع آیات قرآن جز آیات مربوط به احکام ، نمیتوانند اجمال آیات خود را رفع کنند و در تفسیر قرآن به فهم صحابه و تابعین نیازی نداریم (۱۲) . مؤلف کشف الظنون (۱۳) تفسیر به «رأی» را ، پنج نوع ذکر کرده است که اصول آنها همان است که گفته شد .

* * *

در این جا تذکر نکته ای لازم است در میان معانی

هدفی جز توضیح و تشریح قوانین مادی ندارد ، در صورتیکه کشف قوانین و اسرار عالم آفرینش ، مانع از این نیست که جهانی غیر از ماده ، نیز وجود داشته ، و حقایقی مجرد از ماده مانند ملک و جن و شیطان و ارواح و معجزه جز و حقایق جهان باشند .

برخی از دانشمندان اخلاق ، بر اثر عنایت به مسائل اخلاقی و تصفیه نفس ، در تفسیر قسمتی از آیات دچار تفسیر به رأی شده اند تا آنجا که «شیطان» بابه نفس اماره تفسیر نموده و موجودی را به نام شیطان جز نفس اماره انسانی ، منکر شده اند .

گاهی دیده می شود که برخی فرعون را در آیه زیر :

«اذهب الی فرعون انه طغی» : و بسوی فرعون برو ، او از حد خود تجاوز نموده است ، کنایه از نفس انسان متجاوز گرفته ، و می گوید آیه مربوط به اصلاح نفس و تصفیه روح می باشد نه مبارزه با فرعون خاص (۹)

همه این تفسیرهای نوع تفسیر به رأی است که عقیده پیشین و یا تأثیر محیط ، سبب می شوند که از ظاهر آیه دست برداشته شود و برخلاف ظاهر

(۹) براهین القرآن ص ۵۵

(۱۰) مانند آیه ثم استوی علی العرش: سوره رعد آیه ۲ یعنی بر عرش مستولی گردید و آیه و بلاء مبسوطان، سوره مائده آیه ۶۴: هر دو دست او باز است که کنایه از قدرت و توانائی او است .

(۱۱) تفسیر قرطبی ص ۳۴

(۱۲) المیزان ج ۳ ص ۸۵-۸۶

(۱۳) مقدمه مجمع البیان ص ۶

کرده اند (۱)

اگر گروهی (اخباریها) به ظاهر آیاتی که مربوط به فروع و احکام عملی است عمل نمی کنند، نه از این نظر است که می گویند قرآن را نباید به عقل تفسیر کرد، زیرا فروع و احکام عملی از قلمرو حکم عقل بیرون است، بلکه علت آن این است که این رشته از آیات، ناسخ و منسوخ، عام و خاص، و مطلق و مقید دارند و تشخیص اینها برای ما، بدون مراجعه به معصوم، ممکن نیست از این جهت به ظاهر این رشته از آیات عمل نمی کنند.

گذشته از این، بر فرض اینکه یکی دو نفر گمنامی، یک چنین سخن ناروایی را گفته باشند آیا صحیح است یک چنین نسبت بی اساسی را آنچنان مطرح کرد که انسان تصور کند که در طول قرون اسلامی، علماء و دانشمندان اسلام مردم را از فهمیدن قرآن باز می داشتند، اجازه نمی دادند که مردم قرآن را بفهمند، در صورتی که همین علماء و دانشمندان، صدها تفسیر به زبانهای مختلف جهان، بر قرآن نوشته اند و برای آگاهی از تعداد تفاسیریکه تا کنون از طرف علماء اسلام بر قرآن نوشته شده است به کتابهای «کشف الظنون» و «الذریعه» مراجعه شود (۱۵)

مختلفی که برای تفسیر به رأی بیان شده است هرگز هیچ مفسر اسلامی نگفته است که مقصود پیامبر از تفسیر به رأی، همان تفسیر به «عقل» است تا بر آنها حمله کنیم و بگوئیم که آنان این چنین معنی کرده اند که مردم قرآن را نفهمند و مانند کشیشان قرون وسطی که تورات و انجیل را در اختیار داشتند، آنان نیز این کتاب آسمانی را در اختیار خود داشته باشند، و با منع تفکر و عقل در قرآن، آنرا به صورت کتابی در آورند که فقط چشم در میان مردم باشد و روحش و ندایش مجهول ماند، و به صورت الفاظ و اوراد و آهنگ مقدس و مرموز و معما و نامفهوم در آید.

مفسران اسلامی که درباره تفسیر برای سخن گفته اند، هرگز احادیث مورد بحث را چنین معنی نکرده اند در صورتی که علماء اسلام و بالخاصه دانشمندان شیعه «عقل» را یکی از حجت های الهی و دلائل قاطع میدانند تا آنجا که آنرا در ردیف کتاب و سنت و اجماع شمرده اند.

آنان چگونه میتوانند لفظ رأی را که در حدیث پیامبر وارد شده است به عقل و خرد تفسیر کنند، در صورتی که در فرهنگ های عربی که برای تفسیر الفاظ قرآن و حدیث نوشته شده، لفظ یاد شده را به معنی ظن و گمان و حدس و تخمین، معنی

(۱۴) مفردات راغب ماده «رأی» میگوید: رأی عبارت از این است که یک طرف قضیه را روی ظن و گمان ترجیح دهیم.

سپس با آیه (یرونها مثلهم رأی العین) استدلال مینماید زیرا «رأی» در این آیه به طور حتم به معنی ظن و گمان است و معنی آیه این است: آنان را دو برابر خود می بنداشتند.

(۱۵) به کتاب کشف الظنون ج ۱ ص ۳۰۲-۳۱۶ و الذریعه ج ۴ ص ۲۳۱-۳۴۵ تألیف علامه متبحر مرحوم آقا بزرك تهرانی مراجعه بفرمائید.

ضایعه اسفناک

روز شنبه ۲۷ آبانماه مطابق ۱۱ شوال عالم ربانی آیةالله آقای حاج شیخ محمد حسین سبحانی پدر محترم دانشمند ارجمند جناب آقای جعفر سبحانی در تبریز (درس ۹۳ سالگی) بدردود حیات گفت و با تجلیل در جوار حضرت معصومه (ع) بخاک سپرده شد .

او مردی وارسته و پرفضیلت ، و به تقوی و خدا ترسی مشهور بود .

او در سال ۱۲۹۹ تولد یافت و پس از فرا گرفتن ادبیات و سطوح عالی نزد علمای بزرگ تبریز رهسپار سرزمین پاک نجف اشرف شد و ۱۱ سال از محضر پرفیض مراجع بزرگ شیعه مرحوم آیةالله سید محمد کاظم یزدی و مرحوم آیةالله شریعت اصفهانی استفاده نمود و سپس به تبریز بازگشت و به تدریس و تألیف و سایر خدمات دینی پرداخت و کتابهای متعددی از جمله کتاب صلوة تقریرات درس مرحوم شریعت وحاشیه بر کفایه و رسائل و غیر آن از خود بیادگار گذاشت (عاش سعیداً و مات سعیداً) .

ما این ضایعه را بجامعه روحانیت و به بازماندگان آن فقید سعید مخصوصاً به فرزند بر و مندش تسلیم می گوئیم .

براستی اگر نظر آنان این بود که قرآن مانند تورات و انجیل در انحصار خود آنها بماند ، پس چرا این همه تفسیر به زبانهای مختلف جهان بر این کتاب آسمانی نوشته ، و در تمام خصوصیات آیات قرآن ، از نظر عقل و نقل ، بحث و گفتگو نموده اند .

اشتباه دیگر گوینده آن گفتار این است که حدیث «من فسر القرآن برأیه فلیتیؤ مقعده من النار» را چنین ترجمه نموده است:

هر که قرآن را بارای خویش تفسیر کند مقعدش را از آتش پر می کنند در صورتی که ماده «تیؤ» که «فلیتیؤ» از آن گرفته شده است به معنی «پر کردن» نیامده است بلکه معنی آن آماده نمودن و اخذ مکان است .

گذشته از این لفظ «مقعه» در گفتار گوینده به همان معنی موضع خاص آمده است در صورتی که مقصود از آن در حدیث ، مکان و جایگاه است نه موضع مخصوص و در آیه زیر هر دو لفظ وارد شده است و مقصود از هر دو لفظ همان است که گفته شد اینک متن آن آیه :

تَبٰوِی الْمُؤْمِنِیْنَ مَقَاعِدَ لِلْقِتَالِ سوره آل عمران آیه ۱۲۱ : مؤمنان را برای نبرد در مواضع جنگ ، جای می دهی ، یا برای آنان مواضعی برای نبرد آماده می سازی (۱۶)

بنابر این معنی صحیح حدیث این است : هر کس قرآن را تفسیر به رأی کند برای خود جایی از آتش اخذ کند یا برای خود از آتش جایی آماده سازد ،

(۱۶) مجمع البیان ج ۵ ص ۴۹۵ و مفردات راغب ص ۶۹ و به تفسیر آیه : ۵۶ سوره یوسف مراجعه

فرمائید .